

ماهیت فعالیت جنگجویان خارجی و مسئولیت دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل

علی حسن پور؛ سهراب صلاحی؛ پور ناصری راد^۳

۱۳

دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۲/۱۰

صص: ۶۱-۳۳

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شابا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



DOI: 10.22080/jpir.2024.25753.1336

چکیده

روند رو به رشد جنگجویان خارجی و حضور گسترده آن‌ها در سراسر جهان با قابلیت بالای انجام عملیات تروریستی، ضرورت مقابله بین‌المللی دولت‌ها را نشان می‌دهد. هدف این مقاله بررسی مسئولیت دولت‌ها در قبال حضور جنگجویان خارجی نسبت به تعهدات بین‌المللی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. تفاوت اساسی جنگجوی خارجی و مزدور در پیوستن به گروه‌های مسلح تفاوت در انگیزه آن‌ها است. اگر انگیزه پیوستن افراد به گروه‌های مسلح، بهره‌مندی از امتیازات مادی، مانند پول باشد به آن‌ها مزدور و اگر انگیزه پیوستن ایدئولوژیکی، دینی و یا قومی باشد، به آن‌ها جنگجوی خارجی گفته می‌شود. سؤال اصلی پژوهش این است که ماهیت فعالیت جنگجویان خارجی چیست و با توجه به اسناد موجود، دولت‌ها در صورت نقض تعهدات و ارتباط با جنگجویان خارجی از چه حقوق، تکالیف و مسئولیت‌هایی برخوردار می‌باشند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد، وجود جنگجویان خارجی در مخاصمات مسلحانه بی‌ثباتی دولت‌ها، گسترش تروریسم و قاچاق تسلیحات را در پی خواهد داشت. از آنجایی که جنگجویان خارجی غیرقابل کنترل بوده و پاسخ‌گوی اعمال خود نیستند، می‌تواند نظم جهانی را دچار اختلال کند و در مواردی به تهدیدای علیه صلح و امنیت بین‌المللی تبدیل گردد. لذا حقوق بین‌الملل از دولت‌ها می‌خواهد، منافع قانونی و حقوقی دولت‌های دیگر را رعایت کنند. در غیر این صورت دولت‌های متخلف در قبال حقوق بین‌الملل و تعهداتی که در این زمینه در سطح عدم دخالت و حفظ امنیت بین‌المللی، مسئولیت داشته و در صورت وارد شدن خسارت به دولت‌های دیگر یا تبعه آن کشورها، ملزم به جبران خسارت هستند.

کلیدواژه‌ها: جنگجویان خارجی، حقوق بین‌الملل، مسئولیت دولت‌ها.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی علوم و تحقیقات- پردیس بین‌الملل قشم، قشم، ایران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) salahi.sohrab@gmail.com

۳. عضو هیات علمی گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۱. مقدمه

موضوع جنگجویان خارجی اگرچه از دیدگاه تاریخی موضوع تازه‌ای به حساب نمی‌آید، اما در ادبیات حقوق بین‌الملل موضوعی است که به‌تازگی مورد توجه قرار گرفته است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱). ماهیت فعالیت جنگجویان خارجی چیست؟ دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل در مقابله با جنگجویان خارجی چه مسئولیتی دارند؟ و چه سازوکارهایی برای مقابله با ملحق شدن این افراد به گروه‌های تروریستی بایستی اتخاذ کنند؟ سؤالاتی هست که در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن‌ها هستیم؛ چراکه روند رو به رشد مشارکت جنگجویان خارجی در منازعات و مخاصمات مسلحانه در سطح جهان مشکلات زیادی برای ثبات و امنیت بین‌الملل ایجاد کرده و مناطق جنگی توانسته جنگجویان خارجی را از حالت آرمان‌گرایانه، به سمت ایدئولوژی‌های افراطی رهنمون سازند.

بافتن راهکار مناسب بین‌المللی برای مقابله با حضور روزافزون جنگجویان خارجی و تهدیدهای متأثر از آن برای حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد. جست‌وجو در قطعنامه‌های الزامی شورای امنیت و اصول عام حقوق بین‌الملل در برابر جنگجویان خارجی نشان از تعهداتی برای دولت مبدأ در دو مرحله عزیمت و نیز بازگشت جنگجویان خارجی دارد (حبیبی، ۱۳۹۵: ۲۸).

علت طرح این بحث این است که در این زمینه دولت‌های مختلفی ازجمله دولت متبوع جنگجو، دولت محل عبور جنگجو، دولت آموزش‌دهنده جنگجو، دولت تأمین‌کننده مالی و دولت مشوق می‌توانند دخیل باشند. بحث دیگری که مطرح است این است که کشورهای مربوط در چه شرایطی مسئولیت خواهند داشت. می‌دانیم مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (نایاک) معمولاً به دلایل ایدئولوژیک، برای به دست آوردن حقوق و آزادی‌ها در حکومت‌های فاسد و یا اختلافات قومی، نژادی و مذهبی واقع می‌شوند. مسأله‌ای که موضوع را بغرنج‌تر می‌کند این است که دولت‌ها در رابطه با اتباع خود و بیگانگان، تعهدات حقوق بشری ازجمله تعهد به تأمین آزادی افراد دارند و از سوی دیگر در سطح بین‌المللی نسبت به دولت‌های دیگر تعهداتی ازجمله در حوزه‌های حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و عدم مداخله را بر عهده دارند

که ظاهراً این دو گونه تعهد با هم متعارض‌اند. حال باید گفت در صورت تعارض این دو دسته تعهد کدام دسته به نفع دسته دیگر محدود شود. همچنین در حال حاضر پدیده جنگجویان خارجی بعد جدیدی تحت عنوان جنگجویان خارجی تروریست پیدا کرده است که این امر نیز به‌نوبه خود مسائلی را در حوزه موضوعی این نوشته پدید می‌آورد. نکته دیگر در رابطه با عوامل رافع مسئولیت می‌باشد. وجود عوامل رافع مسئولیت باعث پیدایش مسائل جدیدی در خصوص مسئولیت بین‌المللی کشورهای مرتبط با جنگجویان می‌شود، ازجمله اینکه کدام یک از کشورهای مرتبط با جنگجویان و در چه صورتی می‌توانند به این عوامل استناد نمایند؟ البته باید گفت مسأله در مورد حالت ضرورت پیچیده‌تر است؛ چراکه در تعریف این حالت مفهوم منافع اساسی به‌کاررفته است. حال می‌دانیم که مفهوم منافع اساسی مبهم است و از کشوری به کشور دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت می‌باشد. همچنین منافع اساسی جامعه بین‌الملل و کشورها به‌صورت فردی با هم متفاوت و ممکن است با هم متعارض باشند. پس باید مشخص نمود که منظور از منافع اساسی چیست یا حداقل چه معیارهایی برای تشخیص این منافع وجود دارد. تمامی مسائل یادشده را باید با توجه به تحولات جاری در عرصه بین‌المللی بررسی کرد. به عنوان مثال می‌دانیم امروزه به لحاظ تغییر فضای سیاسی و ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی جهان و همچنین سهولت جابه‌جایی افراد و اتباع دولتها با انگیزه‌های مختلف، رو به گسترش و توسعه است. لذا به نظر می‌رسد که عنصر تکلیف مراقبت معمولی دولتها امروزه به مراقبت جدی و اساسی تبدیل شده باشد و مسئولیت دولتها در جابه‌جایی جنگجویان خارجی فراتر از مراقبت معمولی و پایش حرکات و سکنات آنها باشد که نیاز به تمرکز بیشتر را می‌طلبد. این مطلب ما را بر آن داشت تا به بررسی مسئولیت دولتها در رابطه با حضور و مشارکت جنگجویان خارجی در مخاصمات مسلحانه بپردازیم و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولتها را در مقاله حاضر مورد تحلیل و تفسیر به‌روزتری قرار دهیم. به این منظور ابتدا مبانی مفهومی سپس مبانی نظری مقاله و پیشینه تحقیق بیان می‌شود و سپس مسئولیت بین‌المللی دولتها و مسئولیت ناشی از ترک فعل دولتها و جبران خسارت در مقابله با جنگجویان خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات خواهیم پرداخت.

۲. مبانی مفهومی

۲-۱. مسئولیت بین‌المللی

حقوق مسئولیت بین‌المللی یکی از شاخه‌های اصلی و اساسی حقوق بین‌الملل می‌باشد و به مجموعه مقررات بین‌المللی مربوط به مسئولیت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد. در سیر تطور و تحول پرشتاب حقوق بین‌الملل و بر اساس رویکرد معاصر، قواعد مرتبط با نظم عمومی بین‌المللی و تعهدات ناشی از آن اعتبار ویژه‌ای برخوردار است و ضروری به نظر می‌رسد ابتدا مفهوم مسئولیت و سپس مسئولیت بین‌المللی از منظر صاحب‌نظران بیان گردد.

مسئولیت یعنی پاسخ‌گویی در برابر اعمال زیان‌بار، اصل ملازمه و حق و تکلیف که در همه نظام‌های حقوقی است، طبق این اصل اگر کسی حقی دارد، به تبع آن مسئولیت متوجه او است (سلیمان زاده، ۱۳۹۳). در جامعه بین‌المللی، آزادی کشورها با آزادی دیگر کشورها برخورد پیدا می‌کند. لذا مسئولیت بین‌المللی، یک سازوکار، قانونمند، اساسی و ضروری در روابط بین‌المللی کشورها است.

مسئولیت بین‌المللی از نظر «پرفسور بدوان» نهادی حقوقی است که به موجب آن کشوری که عمل خلاف حقوق بین‌الملل به او منتسب است، بایستی بر اساس حقوق بین‌الملل زیان وارده به کشور متضرر از آن عمل را جبران کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۴۲۴).

«شارل روسو» برای این نهاد حقوقی، نقشی اساسی قائل است. به نظر وی حقوق بین‌الملل که از خیلی جهات ابتدایی است، تقریباً به‌طور همیشگی در مقابل اعمال حقوق، ضمانت اجرایی نمی‌شناسد و فقط تا حدودی در مقابل تابعان خود قائل به شناخت ضمانت اجراست، از این‌روست که دعاوی بین‌المللی معمولاً جنبه ترمیمی دارد تا ابطالی (روسو، ۱۳۴۷: ۱۰).

مسئولیت بین‌المللی به معنی الزام به جبران خسارت مادی یا معنوی وارد بر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل است. خسارت مذکور بایستی ناشی از عمل یا خودداری از عمل نامشروع و خلاف حقوق عرفی یا معاهده‌ای بین‌الملل تابعان حقوق بین‌الملل باشد. البته در طرح مواد راجع به مسئولیت، عنصر خسارت از عناصر تشکیل‌دهنده مسئولیت حذف شده است (مواد ۱ تا ۴)، اما این به معنای نادیده انگاشتن عنصر خسارت در

مسئولیت نیست؛ زیرا عمل خلاف حقوق بین‌الملل در هر صورت منجر به خسارت - اعم از مادی یا معنوی - خواهد گردید (بیگدلی، ۱۳۹۳: ۴۲۵).

۲-۲. مفهوم و تاریخچه جنگجوی خارجی

اصطلاح جنگجویان خارجی برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ در قطع‌نامه ۲۱۷۰ شورای امنیت به‌عنوان «جنگجویان خارجی تروریست» بیان شد؛ اما حضور جنگجویان خارجی به قبل از این تاریخ بازمی‌گردد. برای نمونه جنگ داخلی اسپانیا و انقلاب آمریکا (۱۸۳۵)؛ جنگ عراق در ۲۰۰۳ و جنگ روسیه و چین در ۱۹۹۵؛ دوران اشغال افغانستان از سوی اتحاد جماهیر شوروی که مسلمانان بسیاری از کشورهای عربی به کمک مجاهدان افغان جهت دفاع از سرزمین‌های اسلامی شتافتند.

به منظور دستیابی به مفهوم جنگجوی خارجی منابع مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت مفهوم مورد نظر در مقاله بیان می‌گردد. «مالت»^۱ جنگجویان خارجی را به‌عنوان غیر شهروندان دولت‌های درگیر که به شورشیان در طی جنگ داخلی ملحق می‌شوند، تعریف می‌نماید. او آن‌ها را به دو علت از مزدوران و از پرسنل شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی متمایز می‌سازد.

اول در اکثر موارد مزدوران یا شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی به‌وسیله حکومت کشورها استخدام شده، نه شورشیان و زمانی که آن‌ها به‌وسیله نهادهای خصوصی مانند شرکت‌های چند ملیتی استخدام می‌شوند، استخدام آن‌ها به‌وسیله دولت ممنوع نشده است. دوم جنگجویان خارجی به‌طور عادی برای دستیابی به مادیات برانگیخته نشده‌اند (مالت، ۲۰۱۳: ۹).

«هگامر»^۲ تعریف مشابهی ارائه می‌دهد که در ماهیت، جنگجویان خارجی را به‌عنوان اشخاصی تعریف می‌کند که به یک شورش در خارج ملحق شده‌اند و انگیزه اصلی آن‌ها به‌جای مسائل مالی، مسائل مذهبی یا ایدئولوژیک می‌باشد (هگامر، ۲۰۱۳: ۵).

مرکز بین‌المللی مقابله با تروریسم^۳ بر این نظر است که، شهروند بودن جنگجویان خارجی فی‌النفسه یک معیار مناسب برای فرض کردن یک جنگجوی خارجی نیست؛ چراکه در موارد

1 D. Malet
2 Hegghammer
3 National Counterterrorism Center

بسیاری این جنگجویان ممکن است شهروندان اروپایی باشند. درعین حال بخشی از یک جامعه‌ای گسترده‌تر یا نسلی از مهاجران هستند (هنسی، ۲۰۱۲: ۲). «هگامر» در مطالعه خود در خصوص تهدید تروریسم مطرح شده توسط جنگجویان خارجی به صراحت از تعریف خود که شامل داوطلبان جنگ نژادی (برای مثال امریکایی-عراقی‌هایی که قصد رفتن به عراق را دارند) می‌باشد، فاصله گرفته است (همان، ۲۰۱۳: ۱).

ذکر این نکته مهم می‌باشد که اصطلاح جنگجویان خارجی عموماً برای تعیین اشخاصی استفاده می‌شود که از طرف شورشیان در کشوری که با آن پیوند (تابعیت، اقامت یا شهروندی) ندارند جنگ کرده یا آموزش می‌بینند (مالت، ۲۰۱۳: ۸). خارجانی که از طرف یک حکومت جنگ می‌کنند، جنگجویان خارجی قلمداد نمی‌شوند. این استثنا موضوعات متفاوت حقوقی و سیاسی ایجاد می‌کند و همچنین دسته میانی؛ گروه‌های مسلح خارجی غیردولتی را که از طرف یک حکومت جنگ می‌کنند مانند شاخه سوریه حزب الله یک گروه مسلح سوری که در جنگ داخلی سوریه می‌جنگد را از مفهوم جنگجوی خارجی جدا می‌کند.

علی‌رغم هم‌پوشانی و تأثیر و تأثر بین مفاهیم جنگجوی خارجی و جنگجوی آموزش‌دیده در خارج، پدیده جنگجویان خارجی نباید با همانندسازی مفهوم جنگجویان خارجی با جنگجویان آموزش‌دیده در خارج ساده گرفته شود. سرانجام متخصصین حقوقی آکادمی ژنو در تحقیق مربوط به جنگجویان خارجی، آن‌ها را به صورت ذیل تعریف نمودند: «یک جنگجوی خارجی شخصی است که کشور اصلی یا عادتاً محل اقامت خود را برای ملحق شدن به یک گروه مسلح غیردولتی در یک مخاصمه مسلحانه در خارج ترک می‌کند و این شخص اصولاً از طریق ایدئولوژی، مذهب و یا نژاد برانگیخته می‌شود. این مفهوم اشخاصی را که با دولت درگیر به شکلی از شهروندی یا نژادی پیوند دارند، از شمول جنگجویان خارجی خارج می‌کند» (ساندرا کرهنمن، ۲۰۱۴: ۶).

این تعریف تمرکز بر جنگجویان خارجی‌ای که مشارکت‌هایی در یک مخاصمه مسلحانه دارند، حفظ می‌کند؛ ضمناً این تعریف جنگجویان خارجی را با جنگجویان آموزش‌دیده در خارج تلفیق نمی‌کند. نهایتاً تعریف فوق این موضوع را تأیید می‌کند که انگیزه اصلی آن‌ها

¹ Hennessy
² Sandra Kraehenmann

ایدئولوژی، مذهب یا نژاد بوده و درآمد مادی نیست (بریگز، ۲۰۱۴: ۱۳). جنگجویان خارجی ممکن است دستمزد بگیرند اما آن‌ها از مزدوران متمایز شده‌اند (در حقیقت برخی گروه‌های مسلح مانند طالبان و داعش از روی بخشش به جنگجویانشان پرداخت‌های مادی دارند). از منظر نگارنده می‌توان جنگجوی خارجی را چنین تعریف نمود: «فردی که با انگیزه‌های شخصی، با وجود آنکه تبعه هیچ‌یک از طرفین نیست، در یک مخاصمه مسلحانه با انگیزه اعتقادی مذهبی، قومی و قبیله‌ای استخدام می‌شود و در آن برای مبارزه شرکت می‌کند».

در طول تاریخ همیشه کسانی بوده‌اند که برای آرمان‌خواهی و یا به دست آوردن ثروت یا ارضای میل جنگاوری خویش به گروه‌های آزادی‌بخش یا گروه‌های تروریستی پیوسته‌اند. برای درک بهتر تاریخچه شکل‌گیری پدیده جنگجویان خارجی، چند رویداد مهم در تاریخ قابل بیان است. رویداد نخست پس از جنگ جهانی دوم با عنایت به قطب‌بندی‌های شکل گرفته در عرصه بین‌الملل و پیدایش قطب جدیدی به نام آمریکا در مقابله و رقابت با کمونیسم شوروی، جنگجویان آرمان‌گرای زیادی جهت دستیابی به اهداف آرمانی خود به مکتب مارکسیسم گرایش پیدا کرده و آن را اساس مبنای مبارزاتی خویش قرار دادند.

رویداد دوم هسته مرکزی جنبش بیست و شش ژوئیه در کوبا، ایجاد مرکز مبارزان مارکسیست متشکل از گروه‌های مختلف کشورهای آمریکای لاتین بود. ابتدا خواستار آزادسازی کوبا و در نهایت مبارزه با امپریالیسم و آزادسازی کشورها از چنگال دیکتاتورهای دست‌نشانده بود.

در بقیه کشورها نیز گروه‌های شبه نظامی به وجود آمد. مانند مبارزان حزب کارگران کردستان توسط افرادی با قومیت کُرد از کشورهای مختلف منطقه، مثل عراق و سوریه تشکیل شد. دولت ترکیه بیان کرده ۳۰ هزار نفر از نظامیان و شهروندان این کشور توسط این گروه از بین رفته است. این حزب شعب مختلفی چون پژاک در عراق و ایران دارد (وایت، ام. جی، ۱۳۸۴: ۴۸).

رویدادهای تاریخی بعدی پیوستن عرب‌های شرق خاورمیانه به عنوان جنگجویان خارجی به القاعده در افغانستان و مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی در ده ۱۹۸۰ بود و همچنین پیوستن مهاجران نخبه از خاورمیانه که برای تحصیل به دانشگاه‌های غرب رفته بودند، در دهه ۱۹۹۰ به اردوگاه‌های القاعده در افغانستان به شمار می‌رود. البته گروه‌های متشکل مبارزان مسلمان را از

گروه‌هایی که مبنا و ایدئولوژی مبارزاتی خود را مبانی اسلام قرار داده‌اند، بایستی تمییز داد. گروه‌هایی مثل جنبش آزادی بخش فلسطین که هسته اولیه آن را مبارزان فلسطینی به منظور آزادسازی فلسطین ایجاد کردند. اما حمله شوروی به افغانستان سرآغاز ایجاد گروه‌های مجاهد بدون مرز و جنگجویان خارجی مسلمان به شمار می‌رود. لذا پیدایش القاعده را در این کشور می‌توان نقطه عطف برای تشکیل گروه‌های جنگجویی که از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌شدند، شمرد.

رویداد تاریخی تشکیل جنگجویان خارجی بعدی قابل ذکر شکل‌گیری گروه شبه نظامی موسوم به داعش می‌باشد که توانست قسمت‌هایی از سوریه و عراق را با به‌کارگیری تعداد کثیری از جوانان تصرف کند. دخالت امریکا موجبات شکل‌گیری داعش در عراق شد. اما حقیقت این است که امریکا داعش و القاعده را برای تحت سلطه قرار دادن کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه و مقابله با نفوذ روزافزون ایران در منطقه ایجاد کرده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷).

۲-۳. منابع حقوقی علیه جنگجوی خارجی

ماده ۴ کنواسیون ۵ لاهه ۱۹۰۷ بیان می‌کند: شکل‌گیری گروه‌های مبارز و راه‌اندازی مراکز به‌کارگیری نیروهای داوطلب جهت کمک رساندن به نیروهای متخاصم در مناطق بی‌طرف ممنوع است. یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تأمین مالی آن است. به این منظور کشورها خود به‌طور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت مسدود نمودن راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند. از حیث اهمیت و اعتبار شکلی و وصف الزام‌آور آن‌ها، قطع‌نامه‌های شورای امنیت، به‌ویژه قطع‌نامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، در وهله اول اهمیت قرار دارد؛ در وهله دوم، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد قرار دارد. همچنین شورای امنیت به‌عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل متحد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را دارد، جهت مقابله با حضور جنگجویان خارجی، با تصویب قطع‌نامه‌های ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۸، ۲۱۹۹ و قطع‌نامه الزام‌آور شماره ۱۳۷۳ مورخ ۲۸ سپتامبر و به‌خصوص قطع‌نامه ۲۱۷۸ (۲۰۱۴) با عنوان تهدیدهای ناشی از اقدامات تروریستی علیه صلح و امنیت بین‌الملل وضعیت حقوقی این گروه را مشخص و به

موضوع مسئولیت آن‌ها پرداخته و کشورهای عضو را در سیستم حقوقی خود ملزم به قانون- گذاری در این باره نموده است. صرف نظر از قطع‌نامه‌های اخیر شورای امنیت، چون گروه‌های شبه‌نظامی عناصری را از اقتدارات حاکمه اعمال می‌کنند، نماینده کشورشان محسوب می‌شوند و ملتزم به رعایت حقوق بشر و نیز مشمول تعهدات حقوق بشر دوستانه می‌باشند. لازم به ذکر است، قطع‌نامه ۲۱۷۸ برخلاف دو قطع‌نامه ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰ بیش از آنکه قطع‌نامه ضد داعش باشد، ضد به‌کارگیری جنگجوی خارجی و ضد تروریسم می‌باشد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

به عبارت دیگر با توجه به قطع‌نامه شماره ۲۱۷۸ و قطع‌نامه‌های دیگر و نیز به موجب مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها برای افعال مجرمانه بین‌المللی ۲۰۰۱، دولت‌هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با این گروه‌ها در ارتباط هستند، دارای حقوق یا تکالیفی می‌شوند چنانچه این گروه‌ها را هدایت، حمایت، یا کنترل نمایند و یا اقدامات این گروه‌ها را تسهیل نمایند و یا دستور و فرمان انجام عملیاتی را به آن‌ها بدهند، منجر به نقض تعهدات بین‌المللی و ایجاد مسئولیت آنان خواهد گردید.

۳. مبانی نظری:

حقوق مسئولیت بین‌المللی، از شاخه‌های مهم و اساسی حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود که با سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل در ارتباط است. حقوق مسئولیت بین‌المللی، نشانگر مجموعه قواعد و مقررات بین‌المللی مربوط به موضوع سازمان‌های بین‌المللی و مسئولیت کشورها است. لذا، هر موضوعی که مرتبط با مسائل کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باشد، در مسئولیت بین‌المللی قابلیت مطرح شدن دارد. حقوق مسئولیت بین‌المللی در اصل شکل عرفی دارد؛ چراکه اقداماتی که برای تدوین حقوق بین‌الملل لاهه در سال یک هزار و نهصد و سی در کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل لاهه صورت گرفته بود، شکست خورد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۹ بر اساس گزارش پروفیسور روبروت اگو، بررسی طرح مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی کشورها را استارت زد تا نهایتاً در نوامبر ۲۰۰۱ توسط کمیسیون مورد تصویب نهایی قرار گرفت. این طرح تاکنون به شکل یک معاهده بین‌المللی قرار نگرفته

است؛ ولی نشانه‌ها حکایت از توسعه و تدوین حقوق مسئولیت بین‌المللی دارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۶۶).

حقوق مسئولیت بین‌المللی مبین هستی و ضامن بقای حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در صورت فقدان نظامی برای حمایت از قربانیان نقض حقوق بین‌الملل و جبران خسارت وارد بر آنان، بود و نبود حقوق بین‌الملل تفاوتی نخواهد داشت. به‌واقع اگر نقض حقوق بین‌الملل متضمن مسئولیت بین‌المللی متخلف قلمداد نمی‌شد. تعهد بین‌المللی عاری از مفهوم حقوقی گشته و حقوق بین‌الملل به اخلاق بین‌الملل فرو کاسته می‌شد. البته باید توجه داشت وجود نظام مسئولیت بین‌المللی و مکانیسم‌های اجرای مسئولیت بین‌المللی دو موضوع هرچند مرتبط، اما متفاوت هستند، ضعف و حتی فقدان مکانیسم‌های اجرای مسئولیت بین‌المللی نباید باعث شود که عطای بررسی حقوق مسئولیت بین‌المللی به لقای آن بخشیده شود.

در بخشی از نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به نقش بازیگران غیردولتی و انتساب عمل آن‌ها به دولت پرداخته شده است. به عبارت دیگر تنها از این زاویه به اقدامات متخلفانه بازیگران غیردولتی نگاه شده که گویی این اقدامات از سوی دولت، اما به کمک بازیگران غیردولتی محقق شده‌اند. بر همین اساس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها در مواد ۴ تا ۱۱، خود به شرایط انتساب فعل یا ترک فعل این بازیگران به دولت اشاره کرده است. آن چه در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بی‌پاسخ رها شده، مواردی است که اقدام بازیگران غیردولتی نه از سوی دولت و به عنوان بازوی دولتی، بلکه توسط خود بازیگران ارتکاب می‌یابد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده ۱۰ طرح مسئولیت که به اقدامات متخلفانه شورشیان می‌پردازد به صراحت اعلام می‌کند که عبارت پردازی‌های کمیسیون به معنای رفع مسئولیت از شورشیان به‌عنوان بازیگر غیردولتی نیست. اما کمیسیون به نظام مسئولیت بین‌المللی شورشیان یا بازیگران غیردولتی به طور کلی اشاره‌ای بیش از این نمی‌کند.

۱-۳. نظریه خطا یا مسئولیت ذهنی^۱

بر اساس نظریه خطا، وجود مسئولیت بین‌المللی به دلیل عمل خطای یک تابع حقوق بین‌الملل است. بدین صورت که انجام هر عملی مخالف مقررات بین‌المللی یا ممانعت از عملی

^۱ Theory of fault

علیه حقوق بین‌الملل به‌تنهایی جهت شکل‌گیری مسؤولیت بین‌المللی کفایت نمی‌کند، بلکه بایستی خطا یا سهل‌انگاری هم اتفاق افتاده باشد تا این مسؤولیت محقق شود. نظریه خطا برای نخستین بار به اقتباس از حقوق روم توسط «گروتیوس» مطرح شد. واتل^۲ و پوفندرف^۳ از مهم‌ترین طرفداران نظریه خطا هستند. در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ رویه قضایی بین‌المللی تحت تأثیر نظریه خطا قرار گرفت و آرای زیادی بر این پایه صادر گردید (ازجمله رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تنگه کورفو سال ۱۹۴۹) (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۴۲۷).

با توجه به پرونده‌های بین‌المللی و قطع‌نامه‌های مبارزه علیه تروریسم، دولت‌ها در عدم پیشگیری و ترک فعل می‌توانند در قبال حضور جنگجویان خارجی مسؤولیت داشته باشند. اینکه دولت‌ها چه دولت‌های مبدأ، دولت‌های محل عبور و دولت‌های محل منازعه یا مقصد در جلوگیری از ورود و حضور جنگجویان مسؤول هستند. از این نظر می‌توان دولت‌های مبدأ را از لحاظ عدم اجرای اقدامات لازم جهت جلوگیری، منع، دستگیری جنگجویان خارجی که به قصد فعالیت‌های تروریستی اقدام به سفر می‌کنند، مسؤول دانست. این کشورها با ایجاد تدابیر امنیتی در مزرها چه زمینی و چه هوایی، اقدام به منع مسافرت این افراد بکنند، همچنین در صورت مشاهده می‌بایست با تبادل اطلاعاتی با کشورهای دیگر ازجمله کشورهای مقصد در بازداشت و محاکمه و یا استرداد آنان به کشور مبدأ همکاری کنند (گزارش کارگروه سازمان ملل، ۲۰۰۳)^۴.

۲-۳. نظریه خطر^۵ یا مسؤولیت عینی

با عنایت به نبود رکن اجرایی مؤثر در حقوق بین‌الملل و با توجه به اراده کشورها در قبول اصل عدم مداخله، امکان پذیرش نظریه کلاسیک خطا در حقوق بین‌الملل همانند حقوق داخلی وجود ندارد. مسؤولیت بین‌المللی بایستی بر مبنای اصولی بنا گردد تا هیچ تابعی از تابعان حقوق بین‌الملل توانایی شانه خالی کردن از بار مسؤولیت با توسل به عنصر خطا و اثبات فقدان آن را

^۱ Grotius

^۲ Vattel

^۳ Pufendorf

^۴ Report of the Working Group on Arbitrary Detention, UN Doc. E/CN. 4/2004/3, 15 December 2003, para. 60

^۵ Theory of Risk

نداشته باشد. لذا می‌توان گفت اساس مسئولیت بین‌المللی را بایستی در نظریه جدیدی به نام نظریه خطر یا مسئولیت عینی جست‌وجو کرد که طبق آن هرگونه تخلف و قصور نسبت به یک قاعده حقوقی بین‌المللی (عرفی یا معاهده‌ای) موجب مسئولیت بین‌المللی می‌شود، خواه متضمن عنصر خطا باشد یا نباشد (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷: ۲۴). حقوق‌دان ایتالیایی آنزِلوتی^۱ از پیشگامان نظریه خطر می‌باشد و دوگی^۲، ژرژسل^۳ و عده‌ای دیگر را جذب نظریه‌اش کرد. دوگی معتقد است مسئولیت بین‌المللی کشور جنبه عینی داشته و پاسخ‌گوی مقتضیات همبستگی اجتماعی بین‌المللی است. لذا در روابط بین‌الملل کشورها، ممکن است بر اثر انجام یک عمل نامشروع و خلاف حقوق مسئول شناخته شوند. براساس این نظریه، مسئولیت بین‌المللی خصوصیتی کاملاً عینی و غیرشخصی دارد که بر نظریه ضمان استوار می‌باشد، عقیده‌ای که مفهوم شخصی خطا در آن هیچ گونه نقشی ندارد (هنجی، فرهادنیا، ۱۳۹۷: ۸۷). به عبارتی کفایت می‌کند عمل ارتكابی مخالف مقررات و تعهدات بین‌المللی باشد تا مسئولیت محرز شود و لزومی برای تحقیق در مورد تقصیر یا عدم تقصیر مرتکب نیست. به بیان دیگر به محض برقراری رابطه علیت بین اعمال یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی و عمل مخالف حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی ایجاد شده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۴۲۸).

مطابق با این اصل، هرگونه تخلف و تصور در رابطه با یک قاعده حقوقی بین‌المللی عرفی و معاهده‌ای، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود و باید خسارت وارده جبران گردد، خواه ایجاد این مسئولیت متضمن عنصر خطا باشد و یا نباشد (ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۳: ۴۳۰). در حقیقت کافی است که عمل ارتكابی از سوی دولت برخلاف مقررات و تعهدات بین‌المللی باشد تا مسئولیت محرز گردد و مشروط به تقصیر و یا عدم تقصیر دولت نمی‌باشد. این نظریه متأثر از پیشرفت‌های فناورانه و حوادث و خطرات ناشی از آنها شکل گرفته است. ۱. بنابراین پس از آنکه مسئولیت بین‌المللی دولت اثبات شد، بحث جبران خسارت پیش می‌آید. ماده ۳۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت اشعار می‌دارد: «ترمیم کامل صدمه ناشی از تخلف بین‌المللی، طبق مقررات این فصل، باید به شکل اعاده، جبران خسارت

1 Anzelotti

2 Duguit

3 Georges Sorel

و ترضیه، خواه منفردا یا تواما، صورت گیرد». بنابراین در ارتباط با مسئولیت دولت‌ها برای جبران خسارات سه روش پیش‌بینی گردیده است که عبارت‌اند از: اعاده به حال سابق، پرداخت غرامت، جلب رضایت زیان‌دیده (فرشا و عیسی‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۸). لذا دولت‌های متضرر به جهت نقض تعهدات بین‌المللی و حضور جنگجویان خارجی می‌توانند به راهکارهای سیاسی فیما بین مانند مذاکره، میانجی‌گری و یا سازش به حل و فصل اختلافات و یا جبران خسارات ناشی از حضور جنگجویان خارجی پردازند و یا از طرق مراجع قضایی و یا داوری منوط به تراضی طرفین اقدام به جبران خسارت نمایند. هرچند در این خصوص تا به کنون اقدامی انجام نشده است. اما می‌توان به عنوان پیشنهاد بیان کرد که دولت‌های متضرر می‌توانند با مذاکره با کشورهای مبدأ و یا کشورهای محل عبور به قطع عبور و یا عدم تکرار نقض اقدام نمایند.

۴. پیشینه تحقیق:

۴-۱. تحقیقات داخلی

فرشاسعید و جلالی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات عوامل غیردولتی به دو معیار کنترل مؤثر و کنترل کلی مسئولیت برای دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی اشاره می‌کنند و به مزایا و معایب این دو معیار برای تعیین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی می‌پردازند. یافته‌های ایشان نشان می‌دهد به علت ویژگی‌های خاص فناوری‌های سایبری این دو معیار برای اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی مناسب نیست و باید معیار مراقبت بایسته مدنظر دولت‌ها قرار گیرد؛ زیرا، براساس ویژگی‌های این معیار، اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی ساده‌تر به نظر می‌رسد. سعیدی و لهراسبی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت حضور نیروهای خارجی در سوریه در پرتو اصول حقوق بین‌الملل می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد. دخالت‌های نظامی نیروهای ائتلاف برای مقابله با داعش و توسل به زور بدون مجوز شورای امنیت، رضایت دولت و با استناد به ماده ۲۱ منشور بدون توجه به شرایط حقوقی

که دفاع مشروع بر آن استوار است فاقد وجهت منشوری در حقوق بین‌الملل معاصر است و خلاف اصول اساسی حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل و دیگر اسناد معتبر بین‌المللی است. اقدامات مسلحانه نیروهای ائتلاف در کشور سوریه علیه داعش بدون کسب اجازه و درخواست صریح دولت سوریه و بدون مجوز شورا و شرایط دفاع مشروع صورت گرفته، آن گونه که دیوان در قضیه نیکاراگوئه اعلام می‌دارد، ناقض بند ۲ ماده ۴ منشور است و نظام بین‌المللی را به نظم حقوقی پیش از تصویب منشور عقب می‌برد. همچنین مداخلات نظامی ایران در سوریه در کمک به دولت این کشور و همچنین حملات موشکی علیه مواضع داعش می‌تواند بر مبنای دفاع مشروع جمعی و فردی قابل توجیه باشد.

رشیدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی پدیده جنگجویان تروریست خارجی و جرایم مرتبط با آن معتقد است پدیده جنگجویان تروریست خارجی تهدید رو به رشدی برای جامعه بین‌المللی است. بنابراین اقدام جدی از سوی جامعه بین‌المللی برای مبارزه با این پدیده لازم است. دو سازمان بین‌المللی در نهایت اقدامات مؤثری برای مبارزه با تهدید تروریسم جدید اتخاذ و دو سند حقوقی بنیادی را تصویب نمودند که برای اولین بار به طور خاص جنگجویان تروریست خارجی و جرایم مرتبط با آن را تبیین می‌کنند. این دو سند قطع‌نامه ۲۱۷۸ شورای امنیت (۲۰۱۴) و کنوانسیون شورای اروپا برای پیشگیری از تروریسم (۲۰۰۵) هستند. با توجه به اینکه تعریف واحدی از جنگجویان تروریست خارجی وجود ندارد و این اصطلاح در هر دو نظام حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها مبهم و ناشناخته می‌باشد و همچنین جرایم مرتبط با این پدیده به طور دقیق مشخص نمی‌باشند و از طرفی به منظور مقابله با آن نیاز به جرم‌انگاری جرایم مرتبط با آن است این مقاله قصد دارد تا بر اساس اسناد فوق‌الذکر، خصوصیات یک جنگجوی تروریست خارجی، چارچوب حقوقی بین‌المللی و همچنین جرایم مرتبط با یک جنگجوی تروریست خارجی را بررسی نماید.

هنجی و فراهانیا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های تروریستی» ضمن بررسی مواد موجود در طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی بیان می‌کنند، نمی‌توان همه موارد رابطه دولت و گروه‌های تروریستی را تحت شمول آن‌ها قرار داد. ایشان در پژوهش خود اذعان می‌دارند رابطه دولت با گروه‌های تروریستی

به سه صورت است: اول آنکه گروه‌های تروریستی تحت هدایت یا کنترل دولت هستند؛ دوم آنکه گروه‌های تروریستی مستقل از دولت هستند و دولت فقط با آن‌ها همکاری و مساعدت می‌کند؛ سوم آنکه دولت نسبت به اقدامات گروه‌های تروریستی در سرزمین خود نسبت به دولت‌های دیگر بی‌تفاوت است و نتیجه می‌گیرند طرح مسئولیت دولت‌های مصوب سال ۲۰۰۱ فقط پاسخ‌گوی حالت اول است و در دیگر حالت‌ها خلأ وجود دارد. برای پرکردن این خلأ دیدگاه‌های مختلفی ارائه می‌نمایند که شامل نظریهٔ مسئولیت مطلق یا جمعی، مسئولیت مبتنی بر معاونت، مسئولیت ناشی از اغماض و محاسبهٔ خسارت و مسئولیت مبتنی بر سببیت می‌باشد. یوسفی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «پدیدهٔ جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین‌الملل» می‌نویسند: امکان دارد جنگجویان خارجی به گروه‌های مسلح شورشی یا نیروهای مسلح کشوری که در خاکشان درگیری اتفاق افتاده پیوندند. با نگاه به قوانین مخاصمات مسلحانهٔ بین‌المللی، امکان پیوستن یا تبدیل شدن جنگجویان خارجی به نیروهای مسلح یکی از دولت‌های متخاصم وجود دارد. در این صورت، ملیت آن‌ها دارای اهمیت نخواهد بود.

گرشاسبی و کریمی مله (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش» به علل و عوامل پیوستن جنگجویان خارجی به‌خصوص حضور جنگجویان غربی از کشورهای اروپایی و آمریکا پرداخته که به بیان دو نظریهٔ داغ ننگ و توتالیتاریسم پرداخته است. با الهام از نظریهٔ داغ ننگ اروینگ گافمن و توتالیتاریسم هانا آرنت، بر این فرض مبتنی است که این جنگجویان به دلیل سرخوردگی و داغ ننگ و بحران هویت ناشی از پدیدهٔ اسلام‌هراسی در غرب، جهت معنابخشی به خویشتن و رهایی از وضع اسفبار هویتی و حفظ و نمایش ارزش‌های خود به داعش می‌پیوندند.

۲-۴. تحقیقات خارجی

اوبرلایتنر، گرد^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با موضوع «حقوق بشر در درگیری‌های مسلحانه» بیان می‌کند، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیهٔ تادیچ، برای آنکه نقض حقوق بشردوستانه رخ داده باشد، باید مخاصمهٔ مسلحانه‌ای روی دهد. بعد از آن شعبهٔ استیناف تعریف ذیل را در ارتباط با مخاصمات مسلحانه بیان می‌کند؛ هرجایی که توسل به‌زور بین دولت‌ها یا

1 Oberleitner, Gerd

بین گروه‌های دولتی و سایر گروه‌های سازمان‌یافته و یا بین چنین گروه‌هایی در یک دولت رخ دهد، مخاصمه مسلحانه رخ داده است.

هرچند در این پژوهش به بررسی درگیری‌های مسلحانه و حضور جنگجویان خارجی اشاره شده است؛ اما به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به صورت جامع اشاره نشده است.

عبدالرسول عبدالرضا جابر شوکه (۲۰۱۶) در تحقیقی مشابه به زبان عربی با عنوان «ظاهرة الارهاب المتعدد الجنسيات و مسؤولية الدول عن رعاياها الارهابيين» به مسئولیت دولت‌ها در قبال تابعان خود و تعهدات دولت‌های در موضوع مقابله با تروریسم پرداخته شده است. در این پژوهش به مسئولیت دولت‌ها اشاره‌ای کوتاه شده است، اما به طور خاص این تعهد و مسئولیت دولت‌ها را در مقابله با حضور جنگجویان خارجی به عنوان تهدیدی برای تروریسم مورد بررسی قرار داده است.

میاده العفیفی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «المقاتلون الاجانب وحشیه عابره للحدود» به مسأله خطرات ناشی از حضور جنگجویان خارجی در کشورهای درگیر اشاره کرده است. در این پژوهش نیز حضور جنگجویان خارجی را به عنوان تهدید در زمینه امنیت و خطر تروریسم مورد بررسی قرار داده است و به مسئولیت دولت‌ها اشاره‌ای نشده است.

ساندرا کرهنمن^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «جنگجویان خارجی در حقوق بین‌الملل» که برای اکادمی ژنو نوشته شده به تعریف و تبیین جنگجویان و حضور گسترده در عراق و سوریه پرداخته شده است. در این پژوهش نیز به مانند پژوهش قبلی حضور جنگجویان خارجی را به عنوان زنگ خطری برای خطر تروریسم بررسی کرده‌اند و به مسئولیت دولت‌ها اشاره‌ای نشده است.

وجه تمایز این تحقیق با مقاله‌ها و تحقیقات ذکر شده را این گونه می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر علاوه بر اینکه به بیان ماهیت جنگجویان خارجی می‌پردازد و حضور جنگجویان خارجی را به عنوان تهدید در زمینه امنیت و خطر تروریسم مورد بررسی قرار می‌دهد. به بسط و شرح تعهدات بین‌المللی نیز می‌پردازد و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، درحالی‌که تحقیقات دیگر به برخی از این مؤلفه‌ها اشاره داشته‌اند و کاری جامع در این زمینه صورت نگرفته است.

۵. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مقابله با جنگجویان خارجی

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در تقابل با جنگجویان خارجی اشکال متنوعی دارد؛ چراکه مداخله دولت در اقدامات تروریستی، امکان دارد اشکال مختلفی داشته باشد. ممکن است دولت جنگجویان خارجی را کنترل و هدایت کند یا حمایت اقتصادی، اطلاعاتی، نظامی یا ایدئولوژیک نماید. حتی ممکن است دولت بدون هیچ کمک و کنترلی بر جنگجویان خارجی فقط آن‌ها را تحمل کند و نسبت به اقداماتش بی‌تفاوت باشد (هنجی و فرهادنیا، ۱۳۹۷).

مسئولیت در هر نظام حقوقی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی همواره ضمانت اجرای اصول، قواعد و مقررات حقوقی لازم‌الاجرا می‌باشد که اصولاً پس از نقض قواعد اولیه پا به عرصه وجود گذاشته و با قواعد خود در تعیین مسئولیت متخلف چاره‌جویی می‌نماید. مسأله جنگجویان خارجی نیز از این قاعده مستثنا نیست. تبعاً همان‌گونه که دولت‌ها تعهداتی در خصوص جنگجویان خارجی دارند، متناسب با این تعهدات ممکن است مسأله مسئولیت آن‌ها نیز مطرح شود. جنگجویان خارجی خود بازیگر غیردولتی می‌باشند و اصولاً به بازیگران غیردولتی ملحق می‌شوند.

۱-۵. بی‌طرفی دولت در مخاصمه مسلحانه

بی‌طرفی در زمان مخاصمه یکی از موضوعاتی است که به هنگام مخاصمات مسلحانه در عرصه حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح می‌شود. بی‌طرفی را بین دو یا چندین دولت اعلام می‌نمایند که در قبال طرفین مخاصمه بی‌طرف هستند. لذا دولتی که اعلام بی‌طرفی می‌کند در رابطه با دول ثالث یک سری حقوق و تکالیفی دارد. بی‌طرفی یک واژه حقوقی-سیاسی است و در عمل رعایت این اصل از سوی طرفین به‌ویژه طرفین درگیر مخاصمه نقض می‌شود. طبق اصل بی‌طرفی، طرفین مخاصمه می‌بایست حقوق دولت بی‌طرف را رعایت نمایند و در مقابل، دولت بی‌طرف نیز یک سری وظایفی در قبال دول متخاصم دارد که رعایت آن‌ها بر او الزامی است. در این راستا، یکی از مواضع دولت‌ها هم در قبال یک مخاصمه مسلحانه، اتخاذ موضع بی‌طرفی نسبت به مخاصمه می‌باشد. در چنین وضعیتی دولت بی‌طرف باید اقداماتی در رابطه با تضمین و حفاظت از بی‌طرفی خود، در مکان بی‌طرفی که در رابطه با آن دولت مذکور در

¹ Neutrality

برابر طرفین متحارب، به‌ویژه نیروهای مسلح آن‌ها مسؤول می‌باشد، اتخاذ نماید. برای به دست آوردن وضعیت بی‌طرفی، نه دولت مورد نظر یک اعلامیه رسمی صادر می‌کند، نه دیگر دولت‌ها یا طرفین چنین وضعیتی را به‌طور رسمی مورد شناسایی قرار می‌دهند. اعلامیه رسمی تنها اثر وضعیت بی‌طرفی را بهتر آشکار می‌کند (قانون بی‌طرفی جنگ مسلحانه، ۲۰۰۲: ۵).

در خصوص مسأله بی‌طرفی و ارتباط آن با پدیده جنگجویان خارجی باید گفت قبل از تصویب منشور ملل متحد موضوع جنگجویان خارجی عمدتاً به‌وسیله‌ی حقوق بی‌طرفی که حقوق و وظایف قانونی دولتی را که طرف یک مخاصمه مسلحانه نبود را تنظیم می‌کرد، مورد توجه قرار می‌گرفت (افضلی، ۱۳۹۶: ۹۸).

در بهترین حالت احتمالاً حقوق بین‌الملل عرفی برخی محدودیت‌ها را در رابطه با استخدام و خروج داوطلبان از کشور بی‌طرف برقرار می‌کند. به‌طور خاص ویژگی اصلی خروج نباید منجر به سازمان‌دهی سفر خصمانه شود و وظیفه‌ای بر عهده دولت‌های بی‌طرف برای جلوگیری از سازمان‌دهی چنین سفرهایی وجود دارد (فورس و مامیکون، ۲۰۱۵: ۳۲). هنوز این فرض در رابطه با گروه‌ها و باندهای سازمان‌دهی شده در سرزمین بی‌طرف و مسافرت‌کننده به دولت‌های متحارب می‌باشد و داوطلبانی را که به‌صورت انفرادی برای شرکت در مخاصمه به کشور یا کشورهای محل درگیری مسافرت می‌کنند در برنمی‌گیرد.

البته باید توجه داشت که ممکن است قواعد متفاوتی در معاهدات معین دو یا چندجانبه وجود داشته باشد (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۹۳). با وجود این، هیچ معاهده چندجانبه جدیدی، قاعده عرفی را تغییر نمی‌دهد. به عبارت دیگر در مواردی که یک دولت به‌طور فعال از شرکت اتباع خود در مخاصمه واقع شده در خارج از سرزمینش جلوگیری نمی‌کند، هیچ تعهد قانونی بین‌المللی مشخص تخطی شده‌ای وجود ندارد. در این موضوع در مواردی که دولت‌ها مانع چنین رفتاری نمی‌شوند، هیچ اصل مشخص بین‌المللی نیز مورد تخلف قرار نمی‌گیرد (فورس و مامیکون، ۲۰۱۵: ۳۳).

1 The Law of Armed Conflict Neutrality

2 C. Forcese & A. Mamikon

در حقوق اسلام نیز به بی‌طرفی توجه شده است. این اصل در قرآن کریم مطرح گردید که طبق آن جنگ با گروه بی‌طرف مردود شمرده شده است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹: ۴۲۵) و بر دو قسم است. اول بی‌طرفی موقت: یعنی بی‌طرفی که مربوط به یک مخاصمه مسلحانه می‌باشد و اعلام بی‌طرفی در رابطه با جنگی که در یک زمان خاص روی می‌دهد. دوم بی‌طرفی دائم: مثل دولت‌های اتریش و سوئیس که اعلام نموده‌اند می‌خواهند از هر نوع درگیری مسلحانه‌ای که در آینده روی خواهد داد، دور بمانند. بی‌طرفی دائم یعنی اعلام بی‌طرفی در رابطه با هر نوع درگیری و برای همیشه. در نهایت می‌توان گفت واژه بی‌طرفی در ارتباط با حقوق و تکالیف دوگانه دول بی‌طرف و متخاصم به کار می‌رود.^۱ بر این اساس یک کشور بی‌طرف نمی‌تواند آشکارا وارد جنگ و خصومت شود و یا اینکه به متخاصمان یاری رساند. نمی‌تواند برای آن‌ها نیروی جذب نماید و یا اجازه دهد در قلمرو آن، طرف ثالثی به این کار پردازد. نمی‌تواند برای طرفین مخاصمه تجهیزات نظامی فراهم نماید و یا اطلاعات نظامی ارائه دهد. دولت بی‌طرف می‌تواند با دول متخاصم تجارت نماید. در مورد اینکه اگر دولتی عضو سازمان ملل متحد بوده باشد، آیا می‌تواند به هنگام به خطر افتادن امنیت دسته‌جمعی اعلام بی‌طرفی نماید. تا کنون رویه‌ای شکل نگرفته و این موضوع همچنان مورد بحث می‌باشد.

۲-۵. مسئولیت ناشی از ترک فعل دولت‌ها در قبال جنگجویان خارجی

برخی از جنگجویان خارجی اگرچه به دلایل ایدئولوژیک سیاسی و سایر دلایل غیرمادی در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند، اما به گروه‌های تروریستی ملحق نمی‌شوند یا به انجام فعالیت‌های تروریستی نمی‌پردازند. شرکت این جنگجویان در مخاصمات مسلحانه ممکن است تحت شرایطی باعث مسئولیت بین‌المللی دولت گردد. بنابراین تردیدی وجود ندارد که دولت به هر علت فعل یا ترک فعل از جهت حقوق بین‌الملل دارای مسئولیت است. بایستی حدود آن مشخص شود که در این قسمت به تعهدات دولت‌ها در زمینه پیش‌گیری از حدوث نقض تعهد پرداخته شده است.

در بحث مسئولیت بین‌المللی به دو عنصر موضوعی و فاعلی مواجه هستیم، منظور از عنصر موضوعی آن است که فعل یا ترک فعل در تعارض با یک تعهد حقوقی بین‌الملل قرار گرفته

است و در نتیجه زمینه سوءاستفاده با استناد به مقررات داخلی از بین خواهد رفت (راعی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). عنصر موضوعی زمانی است که دولت مرتکب عملی شده که ناقض حقوق بین‌الملل و تعهدات آن است، بر این اساس وجود دو عنصر لازم است: الف. قاعده حقوقی ب. نقض قاعده حقوقی بین‌المللی توسط دولت. برای تحقق رکن فاعلی، ضروری است که ارکان دولت یا مأموران آن در فعل یا ترک فعل خود، مرتکب تخلفی بین‌المللی شده و این تخلف قابل انتساب به دولت باشد (طباطبائی نژاد، ۱۳۹۸: ۷۰۱).

همچنین رفتار مخالف یا متناقض با قواعد بین‌المللی که عنصر دوم از رکن موضوعی است بر این تأکید دارد که رفتار غیرمشروع رفتاری است که مخالف یا معارض با قواعد بین‌المللی باشد. زمانی که رفتار دولت‌ها برخلاف اهداف معاهدات بین‌المللی باشد، دولت‌های متخلف ملزم به اصلاح رفتار خود و جبران خسارت وارده هستند موردی که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران بیان کرده است (۲۴ می ۱۸۰) در این قضیه دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۸۰ به این نتیجه رسید که هرچند دولت ایران مستقیماً مسؤول اقدام دانشجویان مبارز نبوده است، مگر اینکه ثابت شود که دانشجویان، خود عوامل دولت ایران بوده‌اند؛ اما به‌طور غیرمستقیم موضوع مسئولیت بین‌المللی قرار می‌گیرد؛ زیرا دولت ایران برای جلوگیری از حمله و دفع آن هیچ‌گونه اقدامی به عمل نیاورده و دانشجویان را ملزم به تخلیه محل سفارت و آزاد ساختن گروگان‌ها ننموده است و لذا قصور دولت ایران محرز است (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

در این رابطه حمله و اشغال، به‌خودی‌خود متناسب به دولت ایران نیست؛ ولی آن دولت می‌بایست اعمال را متوقف می‌ساخت و نتیجه‌گیری کرد عدم عکس‌العمل ایران در مرحله اول حوادث نقض کامل و آشکارای تعهدات بین‌المللی مخصوصاً کنوانسیون‌های وین ۷۹۲۷ و ۷۹۲۱ مربوط به روابط دیپلماتیک و کنسولی می‌باشد (لیون الکساندر، ۱۳۸۶). بدین ترتیب آن چه در مسأله مسئولیت دولت در قبال رفتار افراد ممکن است اهمیت داشته باشد، به دو دلیل است: یا آنکه دولت به ارتکاب این اعمال دستور داده است، یا در مجازات مرتکبان کوتاهی کرده است (راعی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). البته بیان این مورد نیز مهم است که دولت‌ها در جلوگیری از ارتکاب جرم

افراد مسئولیت دارند، به‌نوعی باید بیان کرد که دولت‌ها نه فقط در فعل بلکه در ترک فعل نیز مسئولیت دارند.

زمانی که دولت‌ها در جلوگیری و منع افراد به ارتکاب جرم کوتاهی کنند، مسئولیت دارند. چیزی که می‌توان آن را در مسأله جنگجویان خارجی و حضورشان در کشورهای درگیر و ملحق شدن به گروه‌های تروریستی مورد توجه قرارداد (واحد تحقیق دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹: ۱۹۲).

به همین منظور می‌توان به رأی ماکس هوبر^۱ که به موجب موافقت‌نامه انگلیس و اسپانیا در ۱۹۲۳ که به عنوان داور تعیین شده بود، اشاره داشت. در این رأی که اشاره به پرونده مالکیت اتباع بریتانیا در مراکش اسپانیایی است بیان می‌گردد. در مواردی که اعمال افراد، زبانی به خارجیان وارد نموده است، داور فقط زمانی این عمل را به معنی عمل دولت و موجب مسئولیت بین‌المللی تلقی می‌کند که کوتاهی ارگان‌های دولتی در ممانعت از اعمال مذکور محرز گردد (سال‌نامه کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۷۵: ۷۴). پس از این مورد، رأی‌هایی از کمیسیون‌های دعاوی میان کشورهای مختلف و مکزیکی صادر شد که در این موارد نیز اصل مزبور مورد بحث و قبول واقع شد. کمیسیون دعاوی کلی مکزیکی - ایالات متحده که بر پایه کنوانسیون هشت سپتامبر هزار و نهصد و بیست و سه تشکیل شد، به طور قاطع در چندین مورد اعلام کرد که مسئولیت دولت به نسبت اعمال افراد فقط مبتنی بر قصور دولت در پیشگیری یا مجازات اعمال آن افراد می‌باشد. در این خصوص اساسی‌ترین رأی مربوط به رای صادره کمیسیون با ریاست «ون ولنهوون»^۲ در شانزده نوامبر ۱۹۲۵ در پرونده جینز است. طبق پرونده قتل فرد آمریکایی که به وسیله یک کارمند اخراجی دولت مکزیکی مطرح و ادعا بر معاونت دولت مکزیکی شد، کمیسیون به روشنی بیان شد:

۱. عمل فرد فقط بایستی منتسب به خود فرد باشد و تنها اعمال ارگان‌های دولتی قابلیت انتساب به دولت را دارد؛

^۱Max Huber

^۲Yearbook of the international law commission

^۳Van Vollenhoven

۲. دو مدل عمل در دو سطح متفاوت یکی در سطح حقوق داخلی و دومی در سطح حقوق بین‌الملل بایستی لحاظ شود؛

۳. معنی معاونت که در ممانعت از مجازات مستور شده صرفاً فرضی می‌باشد و در هر صورت نمی‌تواند به‌عنوان مبنای تغییر نتیجه و انتساب مسئولیت اعمال افراد به دولت مورد استفاده قرار گیرد (سال‌نامهٔ کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۷۵: ۷۵).

کمیسیون در خصوص مقدار غرامت هم تمیز بین عمل نامشروع فرد و عمل نامشروع دولت را مهم دانسته و مورد تأکید قرار می‌دهد. این جرایم در منشأ، کیفیت و اثر با هم تفاوت دارند و بر این اساس بیان می‌کند، دولت فقط بایستی خسارت ناشی از ترک فعل^۱ خود را جبران کند و خسارت وارده نبایستی بر اساس ضرر ناشی از قتل که عمل فرد بوده است، مورد ارزیابی قرار گیرد.

پروندهٔ یادشده از این جهت اهمیت دارد که عملاً به موضوع مسئولیت متقارن^۲ نیز پرداخته است، دیوان داوری به تفکیک مسئولیت دولت و فرد پرداخت و دولت را صرفاً به سبب ترک فعل خود، و فرد را به علت ارتکاب رفتار مجرمانه محکوم کرد (راعی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). در این راستا می‌توان به رأی نوشته شده به وسیلهٔ سومین کمیسیون کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل لاهه در سال ۱۹۳۰، به مسئولیت دولت در ترک فعل از طرف قوهٔ مجریه مادهٔ هفت، کارمندان مادهٔ هشت، مقامات قضایی مادهٔ نه اشاره کرد و در مورد قوهٔ مقننه بیان می‌نمود: اگر دولت مقررات لازم در راستای اجرای تعهدات بین‌المللی‌اش را وضع ننماید، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت (لیون الکساندر، سیسیلیانوس، ۱۳۸۶). همچنین در طی همان کنفرانس اعلام شد که دولت در صورتی مسئول است که خسارت متحمل بر خارجیان ناشی از این باشد که دولت از اتخاذ تدابیری که بایستی به طور عادی به منظور ممانعت، ترمیم یا مجازات اعمال زیان‌بار اتخاذ می‌کرد، غفلت نموده باشد.

بر این اساس می‌توان بیان کرد که دولت‌ها مسؤول اعمال غیر نیستند؛ اما نسبت به عمل خود که ناشی از ترک فعل است، مسؤول هستند. پس از اتمام جنگ جهانی دوم، مسئولیت دولت در ترک فعل نسبت به گذشته در آرای قضایی بین‌المللی بیشتر مورد تأیید قرار گرفت.

1 Omission

۲ مسئولیتی که هم‌زمان هم مسئولیت دولت و فرد را بحث می‌کند.

مثلاً رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مسأله تنگه کورفو) قسمت ماهیت (بعد از رسیدگی محدودۀ بعضی تعهدات بر فعل، در خصوص کشتی‌رانی که بر اساس عرف به عهده دولت‌ها می‌باشد و ضمن اشاره عمل نکردن دولت آلبانی به آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کند ترک فعل مذکور بسیار گزاف بوده و موجب مسؤولیت بین‌المللی آلبانی شده است. در چارچوب حقوق بشر، آرای کمیسیون و دادگاه استراسبورگ در راستای تأیید مسؤولیت دولت به علت ترک فعل نمونه‌های بسیار دارد.

کشورهای محل عبور یا ترانزیت نیز گاهی به دلیل پناه دادن جنگجویان و تسهیل در عبور و یا عدم نظارت در مزرها و عدم همکاری در تبادل اطلاعاتی در حضور جنگجویان خارجی در کشورهای مقصد دخیل هستند. این دولت‌ها به دلیل پناه دادن به جنگجویان خارجی و گاهی به دلیل ایجاد مکان مناسب برای آموزش و یا حمایت‌های مالی و کوتاهی در جلوگیری از عبور و مرور جنگجویان خارجی به قصد ملحق شدن به گروه‌های تروریستی که می‌توان به نقش دولت ترکیه در پناه دادن به این افراد و عدم همکاری با کشورهای محل درگیری در ممانعت از عبور جنگجویان خارجی مسؤول دانست.

بیان این نکته مهم است که کشورها به دلیل ترک فعل که همان همکاری بین‌المللی در جلوگیری و منع حضور جنگجویان خارجی است، مسؤولیت دارند. دولت‌های مبدأ و دولت‌های محل عبور را می‌توان به دلیل عدم منع و جلوگیری از مسافرت و حضور جنگجویان خارجی در کشورهای درگیر مسؤول دانست. آن چه در قطع‌نامه‌های بین‌المللی مبارزه علیه تروریسم از کشورها خواسته شده است، همکاری بین‌المللی در منع و جلوگیری از حضور جنگجویان است. به این ترتیب کشورهای محل عبور نیز بر اساس این قطع‌نامه‌های در صورت مشاهده حضور جنگجویان هستند، باید به دستگیری و استرداد آنان اقدام نمایند.

۳-۵. جبران خسارت ناشی از مسؤولیت بین‌المللی در قبال جنگجویان خارجی

طبق ماده ۳۴ «جبران کامل خسارتی که از عمل خلاف بین‌المللی وارد آمده، شکل اعاده حیثیت، وضعیت به حالت سابق، غرامت و جلب رضایت زیان‌دیده را به طور جدا یا توأمان به خود می‌گیرد.» اساساً مشخص نمودن نحوه جبران خسارت نخست در صلاحیت دولت‌های مورد اختلاف بوده و مبتنی بر توافق آن‌ها می‌باشد. در صورت عدم توافق موضوع در صلاحیت

مراجع قضایی یا داوری بین‌المللی می‌باشد. همچنین شورای امنیت سازمان ملل متحد هم بسته به مورد، منطبق بر فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد صلاحیت انجام آن را دارد. در مجموع، روش‌های جبران خسارت عبارت‌اند از: اعاده وضعیت به حال سابق، جلب رضایت زیان‌دیده، توقف و عدم تکرار عمل متخلفانه بین‌المللی و بالاخره پرداخت غرامت بر اساس قوانین حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، خسارات وارده باید به صورت کامل جبران شود. به طور تاریخی، جبران خسارت یک وسیله حل اختلاف میان بزه‌دیده و بزه‌کار شناخته می‌شده است (ابوالفتحی، ۱۳۹۴). دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در پرونده کارخانه کوروزوف (۱۹۸۲) بیان داشت که ضرورت بی‌جبران نماندن هرگونه ضرر یک اصل کلی حقوقی شناخته می‌شود. به عبارت دیگر دولت مسئول باید سعی کند «همه آثار فعل غیرقانونی را زدوده و وضعیتی را که به قرب احتمال در صورت عدم ارتکاب آن فعل وجود داشته است، دوباره برقرار سازد. بنابراین دولت مسئول باید همه تلاش خود را برای از بین بردن کلیه نتایج عمل متخلفانه به عمل آورد و وضعیتی را که قبل از ارتکاب عمل متخلفانه وجود داشته است با استفاده از روش‌های جبران خسارت اعاده نماید» (کریمی نیا، ۱۳۸۹).

منظور از جبران کامل خسارت این است که دولت مسئول مکلف است هزینانی را که به وسیله ارتکاب فعل متخلفانه به دولت یا دولت‌های دیگر وارد آورده است، جبران نماید. این خسارات اعم از خسارات مادی یا معنوی بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی ماده ۳۱ بند ۲ دولت زیان‌زننده ملزم به جبران هر دو زیان است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۹۲). همچنین منظور از زیان‌های قابل جبران، زیان‌هایی است که در اثر ارتکاب فعل متخلفانه به وجود آمده است. بنابراین باید میان عمل متخلفانه و زیان ایجادشده رابطه‌ای وجود داشته باشد. یعنی نقض تعهد بین‌المللی قابل انتساب به دولت، علت اصلی آن زیان و خسارت باشد تا نقض‌کننده تعهد، موظف به جبران آن خسارت باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق

پیچیده شدن اوضاع جهان، افزایش بازیگران غیردولتی، اختلافات فزاینده قومی و مرزی، افراط‌گرایی و در نهایت ظهور پدیده نسبتاً غیرمنتظره جهانی به نام جنگجویان خارجی، بیش از

پیش معضلاتی را در گستره بین‌المللی دامن زده و جهان را وارد فاز دیگری از آوارگی، وحشی‌گری و جنایت کرده و حقوق بین‌الملل کلاسیک که در مقابل وضعیت عینی شکل گرفته، با بن‌بست و چالش‌های فراوانی مواجه کرده است.

یافته‌ها حاکی از آن است، شورای امنیت به‌عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل متحد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را دارد، برای مبارزه با جنگجوی خارجی، جلوگیری از تروریسم و مقابله دولت‌ها با جنگجویان خارجی و اعمال مخربشان کنوانسیون‌های مختلفی به تصویب رسیده است. کنوانسیون پنجم لاهه ۱۹۰۷ و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ و قطع‌نامه‌های ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۹۹ و ۲۱۷۸ که در کنار تعریف جنگجویان خارجی به مقوله مسئولیت آن‌ها پرداخته و در مبحث الزامات قطع‌نامه به تکالیف دولت‌ها اشاره و کلیه دولت‌های عضو را در سیستم حقوقی خود ملزم به قانون‌گذاری برای پیگرد جنگجویان خارجی نموده است. همچنین قطع‌نامه الزام‌آور شماره ۱۳۷۳ مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت و طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ماده ۳۴ و ماده ۳۱ بند ۲ دولت زیان‌زننده ملزم به جبران هر دو زیان مادی و معنوی هستند و طبق تعهدات بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون‌های وین ۷۹۲۷ و ۷۹۲۱ و کنوانسیون ۸ سپتامبر ۱۹۲۳ دولت‌ها نه‌فقط در فعل بلکه در ترک فعل نیز مسئولیت دارند. بنابراین در پاسخ به سؤال اصلی که دولت‌ها چه مسئولیتی در قبال حضور جنگجویان خارج نسبت به تعهدات بین‌المللی دارند؟ می‌توان گفت با توجه به پرونده‌های بین‌المللی و قطع‌نامه‌های مبارزه علیه تروریسم، دولت‌های مبدأ و دولت‌های محل عبور از لحاظ عدم اجرای اقدامات لازم جهت جلوگیری، منع، دستگیری جنگجویان خارجی که به‌قصد فعالیت‌های تروریستی اقدام به سفر می‌کنند، مسئول هستند. این کشورها با ایجاد تدابیر امنیتی در مرزها چه زمینی و چه هوایی اقدام به منع مسافرت این افراد بکنند و در صورت مشاهده می‌بایست با تبادل اطلاعاتی با کشورهای دیگر از جمله کشورهای مقصد در بازداشت و محاکمه و یا استرداد آنان به کشور مبدأ همکاری کنند.

بر این اساس پیشنهاد می‌گردد، در رابطه با مسئولیت دولت‌ها نسبت به مسائل جهانی از جمله جنگجویان خارجی بایستی به‌گونه‌ای نگریسته شود که دولت‌ها موظف به اقداماتی باشند که این پدیده را در سطح جهانی کنترل نمایند؛ در غیر این صورت اقدامات منفعت‌گرایانه

انفرادی دولت‌ها حتی در صورتی که دقیق و بی‌نقص باشد، متمر ثمر نخواهد بود. نهادهایی مانند کمیساریای عالی ملل متحد برای پیگیری حقوق اقلیت‌ها و سازمان ملل متحد در تبیین حقوق مسئولیت بین‌المللی جنگجویان خارجی بایستی اقدامات ویژه‌ای انجام دهند. همچنین نهادهای بی‌طرف مانند صلیب سرخ جهانی، عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، می‌توانند با جمع‌آوری دلایل، مدارک و شواهد دربارهٔ جنایات ارتكابی جنگجویان خارجی زمینهٔ تعقیب و محاکمهٔ گروه و سازمان مذکور را از طریق محاکم ملی، محاکم موردی و دیوان کیفری بین‌المللی فراهم نمایند. در نهایت سازمان ملل متحد و بازوی اجرایی آن شورای امنیت با مسئولیت‌پذیری خود در این مورد از طریق صدور اسناد جدید، ملزم نمودن دولت‌ها در خصوص جدی گرفتن خطرات ناشی از تهدیدات جنگجویان خارجی و الزام حقوقی دولت‌های جهان به قانون‌گذاری با عنایت به ماهیت متغیر روابط بین‌الملل و ساختار متحول نظام بین‌المللی در جبران خسارت‌های مادی و معنوی قربانیان گام‌های مؤثرتری بردارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ابوالفتحی، رافت؛ (۱۳۹۴). بررسی ماهیت، فعالیت و مسئولیت جنگجویان خارجی در روابط بین‌الملل، پایان‌نامه رشته حقوق گرایش: حقوق بین‌الملل.
- العیفی، میاده؛ (۲۰۱۴). المقاتلون الاجانب وحشیه عابره للحدود؛ المركز الاستشاری للدراسات والتوثیق؛ العدد ۴۶۵۲۰.
- افضلی، رسول؛ (۱۳۹۶). دولت مدرن در ایران، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه مفید.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ (۱۳۷۹). اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، سمت.
- حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۹۵). جنگجویان خارجی در خاورمیانه و تعهدات دولت مبدأ، آفاق امنیت (۳۲)، ۹.
- راعی، مسعود؛ (۱۳۸۸)، کنترل کلی یا کنترل مؤثر عاملی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حقوق، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز: ۱۵۱-۱۶۴.
- رو سو، شارل؛ (۱۳۴۷)، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمد علی حکمت، دانشگاه تهران، تهران، جلد اول.
- سال‌نامه کمیسیون حقوق بین‌الملل؛ (۱۹۷۵)، جلد ۲، شماره ۱۶.
- سعیدی، مجید، لهراسبی، امیر؛ (۱۳۹۷)؛ بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت حضور نیروهای خارجی در سوریه در پرتو اصول حقوق بین‌الملل (با تأکید بر حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران)، چهارمین کنفرانس پژوهش‌های علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران.
- سلیمان زاده، احمدرضا؛ (۱۳۹۳)؛ مسئولیت بین‌المللی دولت؛ پژوهشکده باقرالعلوم.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ ۳۵، تهران: گنج دانش.
- طباطبائی نژاد، سید محمد، کاظمی، محمود؛ (۱۳۹۸). تعامل حقوق عمومی و خصوصی در مورد مسئولیت مدنی، مطالعات حقوق خصوصی ۴۹(۴)، ۶۹۷-۷۱۶.
- عبد الرسول، عبد الرضا، جابر شوکه؛ (۲۰۱۶) ظاهرة الارهاب المتعدد الجنسيات ومسؤولية الدولة عن رعاياها.
- فرشاسعید، پرویز، جلالی، محمود؛ (۱۴۰۱). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی، حقوق فناوری‌های نوین، ۳(۶) و ۱۷.

- فقیه حبیبی، علی؛ (۱۳۹۵)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از خسارت زیست‌محیطی از جنگ؛ مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۶، ۹۷-۱۳۴.
- گرشاسبی، رضا و علی کریمی مله؛ (۱۳۹۴)، بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱
- کریمی‌نیا، محمد مهدی؛ (۱۳۸۹)، مسئولیت دولت‌ها در قبال خسارت‌های معنوی؛ معرفت، شماره ۳۸
- لیون الکساندر سیسییانوس، (۱۳۸۶)، مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایت بین‌المللی؛ مترجم: هنجی، سید علی؛ تحقیقات حقوقی؛ شماره ۴۶
- مستقیم، بهرام، طارم سری مسعود؛ (۱۳۷۷). مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- وایت، ام.جی؛ (۱۳۸۴). سیاست و حکومت و ایالات متحده، قربانعلی گنجی، تهران: قومس
- هنجی، سیدعلی و فرهادنیا، سعید؛ (۱۳۹۷). بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های تروریستی، تحقیقات حقوقی. ۲۱(۸۴)، ۷۱-۹۰.
- یوسفی، افشین؛ علیرضا آرش پور، مسعود راعی دهقی؛ (۱۳۹۷)، پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین‌الملل، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۹۳-۱۲۶
- C. Force & A. Mamikon (2015), "Neutrality Law, Anti-Terrorism, and Foreign Fighters: Legal Solutions to the Recruitment of Canadians to Foreign Insurgencies", the University of British Columbia Law, p 32. <https://commons.allard.ubc.ca/cgi/viewcontent.cgi?article=1135&context=ubclawreview>
- Oberleitner, Gerd(2020), "Human rights in armed conflict", Human Rights in Armed Conflict Law, Practice, Policy, pp. 1 – 8 DOI: <https://doi.org/10.1017/CBO9781316103869.003>
- O. Hennessy (2012), "The Phenomenon of Foreign Fighters in Europe", Background Note, International Centre for Counter-Terrorism – The Hague, July 2012 <https://journals.indexcopernicus.com/api/file/viewByFileId/848382>
- D. Malet (2013), Foreign Fighters: Transnational Identity in Civil Conflicts, Oxford University Press (OUP). 272 Pages ISBN: 9780199939459
- Kraehenmann, Sandra (2014), Foreign fighters under international law, Academy Briefing ; No. 7, Record ID 295212 <https://repository.graduateinstitute.ch/record/295212?ln=en&v=pdf>

T. Hegghammer (2017), “Should I Stay or Should I Go? Explaining Variation in Western Jihadists’ Choice between Domestic and Foreign Fighting “, American Political Science Review, vol. 107, No 1.
[DOI:10.1017/S0003055412000615](https://doi.org/10.1017/S0003055412000615)

